



عنوان کتاب متن پژوهی توصیفی:

پنجاه درس عقاید

نام مؤلف:

آیت الله العظمی مکارم شیرازی

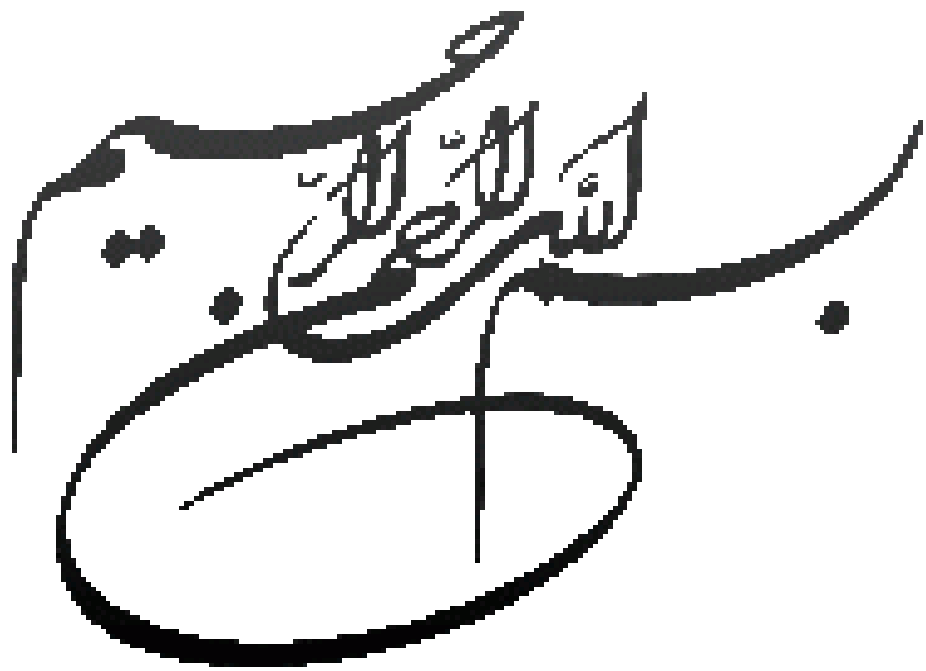
نام مدرسه: امام صادق (علیه السلام) چهارباغ

نام و نام خانوادگی پژوهشگر: محمد جواد اسماعیل زاده

شماره پرونده مرکز مدیریت: ۴۰۰۲۸۰۶۴

پایه: ۳

بهار ۱۴۰۳



چکیده

خلقت بر اساس حق پایه گذاری شده است. یکی از معانی این نکته این است که هر موجودی به مجرد خلق شدن همین که از عدم به وجود آمد و هستی گرفت- برخوردار از حقی است و وظیفه ای باید انجام دهد. از جمله وظایف ما انسان ها شناخت خالق این جهان و آشنایی با ناظم ان هست ؛ اینکه بتوانیم با عقل و تفکر هر چند محدودمان برای پرستش خالق یکتا دلیلی ارائه دهیم. در پرتو اثبات وجود و یکتایی خداوند تعالی، شناخت صفت عدل خود نیاز است، که اصولاً عدل چیست و خداوند تعالی خلقت را چگونه بر این اساس طراحی کرده است. حقیقتاً بعد از دانستن دو مبحث خداشناسی و عدل الهی، خداوند یکتای عادل برای انجام امور در زمین افرادی را که خود تعیین کرده و مورد اطمینان هستند را برای این امر هم قرار داده که به توصیف وظیفه نبوت و پیامبر شناسی و بعد از آن امام شناسی میپردازیم. در فصل آخر هم به سرانجام انسان و جایگاه اصلی او، که معاد هست میپردازیم که اصولاً هر عمل ما در آخر چگونه نتیجه ای به ما می دهد.

کلید واژه ها:

خداشناسی، امامت، معاد، نبوت، هستی

فهرست مطالب

Contents

۱	مقدمه
۳	قسمت اول: شخصیت و جایگاه علمی نویسنده
۳	۱-۱- مشخصات نویسنده
۳	۱-۲- پیشینه علمی
۴	۱-۳- حوزه تخصص نویسنده
۶	قسمت دوم: بررسی توصیفی کتاب
۶	۱-۱- نوع کتاب
۶	۲-۲- موضوع کتاب
۶	۳-۲- ایده نویسنده
۷	۴-۲- ارتباط با موضوعات فرعی
۷	۵-۲- گروه مخاطبان کتاب
۷	۶-۲- ابداعی یا تکراری بودن فهرست
۷	۷-۲- الگوی شکل گیری مطالب
۹	۸-۲- پیشنهاد فهرست بهتر
۱۰	۹-۲- استدلالات نویسنده
۱۰	۱۰-۲- تاکید بر مطالب کم اهمیت
۱۰	۱۱-۲- پیشنهاد پژوهش بیشتر
۱۱	قسمت سوم: مناسبات نویسنده و کتاب
۱۱	۱-۳- شرایط نویسنده
۱۱	۲-۳- تطبیق نظرات نویسنده قبل و بعد از نگارش کتاب
۱۱	۳-۳- منابع علمی نویسنده
۱۳	۴-۳- محدودیت های نویسنده
۱۳	۵-۳- پیشفرض های نویسنده
۱۳	۶-۳- ارتباط کتاب با تخصص نویسنده
۱۴	قسمت چهارم: خلاصه کتاب
۱۴	۱-۴- درس اول راجع به خدانشناسی است
۱۴	۲-۴- درس دوم آثار خدانشناسی
۱۷	نتیجه:
۱۸	فهرست منابع:

مقدمه

علم کلام اختصاصی به دین اسلام ندارد و دیگر ادیان الهی نیز، می توانند مباحث کلامی ویژه خود داشته باشند اما این نوشتار ناظر به کلام اسلامی است و هر جا نامی از این علم به طور مطلق می آید، مقصود کلام اسلامی است.

هدف از این تحقیق بیان عقاید است و دلیل نیازمندی به بیان عقاید دینی و ارائه منظم و طبقه بندی شده آنها آن است که در قرآن و گفته های معصومان اصول عقاید (به دلیل طبیعت متون مقدس به صورت منظم و کلاسیک عرضه نشده است قرآن کریم، مطالب مختلف و متنوع، سیاسی تاریخی، اجتماعی، فرهنگی، فردی، حقوقی، فقهی و غیر آن را در کنار مسائل عقیدتی مطرح کرده است؛ از این رو، استخراج و تنظیم هر یک از این علمی دانشمندان دین است.

به خاطر اهمیت بالایی که این موضوع دارد در نیمه دوم قرن اول هجری برخی از مسائل کلامی، مانند جبر و اختیار و عدل در میان مسلمانان مطرح بوده است. اولین مدرسه رسمی که این مباحث در آن مطرح می شد، مجلس درس حسن بصری (م ۱۱۰ هـ ق.) بود. با گذشت زمان مسائل کلامی گسترش می یافت و گروه های کلامی مختلفی پدیدار شد؛ مانند خوارج، قدریه، معتزله، جهمییه، مرجئه و... عقاید کلامی هر یک از این فرقه ها در علم فرق و مذاهب یا ملل و نحل تشریح میشود و از موضوع بحث ما بیرون است. از دیدگاهی دیگر می توان گفت اگر مقصود از علم کلام، طرح استدلالی عقاید دینی است، نقطه آغازین این امر خود قرآن کریم سخنان پیامبر اکرم و به ویژه امیر مؤمنان است که در جای جای آنها عقاید دینی مطرح و برای آن برهان اقامه تاریخیچه علم کلام و عوامل مؤثر در پیدایش آن شده استانگیزه اصلی برای رشد و توسعه این دانش را نیز خود قرآن کریم و کلمات پیشوایان معصوم - که به تفکر فرا خوانده و از تقلید و پیروی کورکورانه نهی کرده اند. به وجود آورده است. البته عوامل دیگری نیز در این گسترش مؤثر بوده اند؛ از جمله: ا پیوستن دسته های گوناگون مردم به اسلام با ادیان مختلف، عقاید متفاوت و طرز تفکر خاص خود. حضور یهودیان و مسیحیان و پیروان دیگر ادیان در کنار مسلمانان که موجب آگاهی از عقاید یکدیگر می شد. پیدایش گروهی به نام زنادقه در جهان اسلام که با دین مخالف بودند و به بحث و مجادله با مسلمانان می پرداختند.

ضرورت بحث از این موضوع این است که مباحث عقیدتی، نیازمند تلاش تبیین عقاید دین متکلم پس از استخراج اعتقادات دینی به تبیین، تفسیر، تحلیل و اثبات آنها می پردازد. مثلاً پس از آنکه از نصوص دینی دریافت که خدایکی است می کوشد با برهان عقلی این باور را اثبات کند. هم چنین بر متکلم است که هماهنگی عقاید دینی با یکدیگر و عدم تعارض میان آنها را روشن سازد تعیین تاریخ دقیق پیدایش علم کلام برای صاحب نظران دشوار است. همچنین تشویق قرآن کریم و پیشوایان معصوم به آزاد اندیشی و تفکر مستقل، موجب گردید مسلمانان هر چه بیشتر ضرورت تحقیق در عقاید دین را احساس کنند. از این رو، متکلمان برجسته ای در قرن های دوم، سوم و چهارم هجری در جهان اسلام ظهور کردند.

قسمت اول: شخصیت و جایگاه علمی نویسنده

۱-۱- مشخصات نویسنده

حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی در سال ۱۳۴۵ هجری قمری (۱۳۰۵ هجری شمسی) در شهر شیراز در میان یک خانواده مذهبی که به فضائل نفسانی و مکارم اخلاقی معروفند دیده به جهان گشود. معظم له تحصیلات ابتدایی و دبیرستانی خود را در شیراز به پایان رسانید. هوش و حافظه قوی و استعداد ممتاز، وی را در محیط مدرسه در ردیف شاگردان بسیار ممتاز قرار داده بود. (رساله علمیه آیت الله العظمی مکارم شیرازی، ص ۴۹۸)

۱-۲- پیشینه علمی

با اینکه هیچ یک از افراد خانواده معظم له در کسوت روحانیت نبود، تنها عشق شدید به معارف اسلامی (طی حوادث جالبی) سرانجام ایشان را به این رشته پرافتخار کشانید. معظم له در حدود ۱۴ سالگی رسماً دروس دینی را در «مدرسه آقا باباخان شیراز» آغاز کرد و در مدت اندکی نیازهای خود را از علوم: صرف، نحو، منطق، معانی، بیان و بدیع به پایان رسانید. سپس توجه خود را به رشته فقه و اصول معطوف ساخت و به خاطر نبوغ فوق العاده ای که داشت. مجموع دروس مقدماتی و سطح متوسط و عالی را در مدتی نزدیک به چهار سال! به پایان رساند. در همین سالها گروهی از طلاب حوزه علمیه شیراز را نیز با تدریس خود بهره مند می ساخت، و گاه در یک روز - علاوه بر درسهایی که خود می خواند - هشت جلسه تدریس داشت! (رساله علمیه آیت الله العظمی مکارم شیرازی، ص ۴۹۸)

ایشان در ۱۸ سالگی وارد حوزه علمیه قم شدند و قریب پنج سال از جلسات علمی و درس اساتید بزرگ آن زمان مانند حضرت آیه الله العظمی بروجردی و آیات بزرگ دیگر رضوان الله علیهم بهره گرفتند.

معظم له برای آشنایی با نظرات و افکار اساتید بزرگ یکی از حوزه های عظیم شیعه در سال ۱۳۶۹ هـ ق وارد حوزه علمیه نجف اشرف گردیدند و در آنجا در دروس اساتید عالی مقام و بزرگی همچون آیات عظام آقای حکیم و آقای خوئی و آقای سید عبدالهادی شیرازی و اساتید برجسته دیگر - قدس الله اسرارهم - شرکت جستند. معظم له در سن ۲۴ سالگی به اخذ درجه اجتهاد مطلق از محضر دو نفر از آیات بزرگ نجف نائل شدند.

معظم له در ماه شعبان سال ۱۳۳۰ هجری شمسی به ایران بازگشت و در شهر مقدس قم که آن روز مشتاق رجال علمی بود مأوا گزید و در جمعی که باید بعداً اثری بس عظیم بوجود آورند وارد شد. (همان)

۱-۳- حوزه تخصص نویسنده

حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی بعد از بازگشت به ایران به تدریس سطوح عالی و سپس خارج «اصول» و «فقه» پرداختند و قریب ۵۰ سال است که حوزه گرم درس خارج ایشان مورد استقبال طلاب و فضلاست؛ بسیاری از کتب مهم فقهی را تدریس کرده و به رشته تحریر درآورده اند. در حال حاضر حوزه درس خارج ایشان یکی از پرجمعیت ترین دروس حوزه های علمیه شیعه است و قریب به دو هزار نفر از طلاب و فضلا عالیقدر از محضر ایشان استفاده می کنند. ایشان از آغاز دوران جوانی به تألیف کتاب در رشته های مختلف عقاید و معارف اسلامی و مسأله ولایت و سپس تفسیر و فقه و اصول پرداختند، و یکی از مؤلفان بزرگ جهان اسلام محسوب می شوند.

معظم له در انقلاب اسلامی حضور فعال داشتند و به همین دلیل چند بار به زندان طاغوت افتادند و به سه شهر «چابهار»، «مهاباد» و «انارک» تبعید شدند، در تدوین قانون اساسی در خبرگان اول نیز نقش مؤثری داشتند. در رژیم طاغوت احساس می شد که حوزه علمیه قم نیازمند یک نشریه عمومی است تا بتواند با نشریات گمراه کننده ای که بدبختانه تعداد آنها نیز کم نبود مبارزه نماید. معظم له با همکاری جمعی از دانشمندان برای انتشار نشریه ماهانه «مکتب اسلام» که با کمک بزرگان حوزه علمیه قم تأسیس شده بود، همکاری نمود. این نشریه در جهان شیعه بی سابقه بود و شاید از نظر وسعت انتشار - در میان مجلات علمی و دینی - در تمام جهان اسلام، جزء درجه اولها بود. (رساله علمیه آیت الله العظمی مکارم شیرازی، ص ۴۹۸)

از معظم له حدود یکصد و بیست جلد کتاب منتشر شده که بعضی از آنها بیش از سی بار تجدید چاپ گردیده است و بعضی به بیش از ده زبان زنده دنیا ترجمه شده و در کشورهای مختلف انتشار یافته است که به اسامی آنها اشاره می شود:

۱- ترجمه شیوا و روان قرآن مجید ۲- تا ۲۸ تفسیر نمونه (فارسی، عربی، اردو، انگلیسی و ترکی) ۲۹- تا ۳۸ تفسیر موضوعی پیام قرآن (عربی و فارسی) ۳۹- ۴۰ ترجمه تفسیر المیزان ۴۱ و ۴۲ و ۴۳- اخلاق در قرآن ۴۴- فیلسوف نماها ۴۵- مدیریت و فرماندهی در اسلام ۴۶- زهرا، برترین بانوی جهان. ۴۷- زندگی در پرتو اخلاق. ۴۸- جلوه حق ۴۹- عود ارواح و ارتباط با ارواح ۵۰- پرسشها و پاسخهای مذهبی ۵۱- خطوط اصلی اقتصاد اسلامی ۵۲- انگیزه گرایش به مذاهب ۵۳- خدا را چگونه بشناسیم؟ ۵۴- آفریدگار جهان ۵۵- رهبران بزرگ و مسؤولیتهای بزرگتر ۵۶- قرآن و آخرین پیامبر ۵۷- معاد و جهان پس از مرگ ۵۸- عقیده یک مسلمان ۵۹- مهدی انقلابی بزرگ ۶۰- ارزشهای فراموش شده ۶۱- پایان عمر مارکسیسم ۶۲- آخرین فرضیه های تکامل ۶۳- آیین ما (ترجمه

اصل الشَّيْعه) ۶۴- پنجاه درس اصول عقاید برای جوانان (فارسی، عربی، انگلیسی، چینی و فرانسه) ۶۵-
 سرگرمیهای خطرناک ۶۶- نماز مکتب عالی تربیت ۶۷- معراج، شقّ القمر، نماز در قطبین ۶۸- معمّای هستی ۶۹-
 فلسفه شهادت ۷۰- اسرار عقب ماندگی شرق ۷۱- چهره اسلام در یک بررسی کوتاه ۷۲- در جستجوی خدا ۷۳-
 مشکلات جنسی جوانان ۷۴- آنچه از اسلام باید بدانیم ۷۵- بحثی درباره ماتریالیسم و کمونیسم ۷۶- قرآن و
 حدیث ۷۷- تقلید یا تحقیق ۷۸- خمس پشتوانه استقلال بیت المال ۷۹- مسأله انتظار ۸۰- تفسیر به رأی ۸۱- تقیّه
 سپری برای مبارزه عمیقتر ۸۲- این مسائل برای همه جوانان مطرح است ۸۳- اسلام و آزادی بردگان ۸۴- یکصد و
 پنجاه درس زندگی (فارسی و انگلیسی) ۸۵- شیوه همسررداری در خانواده نمونه ۸۶- طرح حکومت اسلامی ۸۷-
 رساله مقدمه وحی یا... ۸۸- التقاط و التقاطیها ۸۹- مناظرات تاریخی امام رضا (علیه السلام) ۹۰ و ۹۱- اخلاق
 اسلامی در نهج البلاغه ۹۲- رساله توضیح المسائل (فارسی، عربی، اردو، ترکی، انگلیسی، چینی) ۹۳- رساله احکام
 نوجوانان ۹۴- رساله احکام بانوان ۹۵- مناسک حج (فارسی - عربی) ۹۶ و ۹۷- استفتائات جدید (فارسی و عربی)
 ۹۸ و ۹۹ و ۱۰۰- انوار هدایت ۱۰۱- تعلیقات علی عروۃ الوثقی ۱۰۲ و ۱۰۳- القواعد الفقهیّه ۱۰۴- انوار الفقاهه
 (کتاب التّجارة - مکاسب محرّمه) ۱۰۵- انوار الفقاهه (کتاب البیع - ولایت فقیه و حکومت اسلامی) ۱۰۶- انوار
 الفقاهه (کتاب الخمس و الانفال) ۱۰۷- انوار الفقاهه (کتاب الحدود و التّعزیرات) ۱۰۸ و ۱۰۹ و ۱۱۰- انوار
 الاصول (مشمول بر تقریرات درس خارج اصول) ۱۱۱ و ۱۱۲ و ۱۱۳- پیام امام (علیه السلام) (شرح نهج البلاغه)
 ۱۱۴- ربا و بانکداری اسلامی (فارسی و عربی) ۱۱۵- طُرُق فرار از ربا ۱۱۶- مثالهای زیبای قرآن (فارسی و عربی)
 ۱۱۷- یادآوری های ماندگار ۱۱۸- جامعه سالم در پرتو اخلاق ۱۱۹- بحوث فقهیّه (مسائل مهمّ فقهی به زبان
 عربی) ۱۲۰- حکم الاضحیه (رساله علمیّه آیت الله العظمی مکارم شیرازی، ص ۴۹۸)

قسمت دوم: بررسی توصیفی کتاب

۱-۱- نوع کتاب

اهمیت و ارزش هر علمی بستگی به موضوع آن دارد و این موضوع آن علم است که می تواند اهمیت آن کتاب را مشخص کند و در میان تمام علوم ، علم عقاید است که با شرف و شریف ترین علم نسبت به علوم دیگر است چرا که نوع حرکات انسان و نوع افعال آن بر اساس عقاید او ساخته می شود و اگر عقاید او صحیح و سالم و درست باشد می تواند اعمال خوب شایسته و صحیحی انجام دهد.

قال الصادق عليه السلام: لو يعلم الناس ما في فضل معرفة الله عز وجل ما مدوا أعينهم إلى ما ممتع الله به الأعداء من زهرة الحياة الدنيا و نعيمها ، و كانت دنياهم أقل عندهم مما يطؤونه بأرجلهم (كليني، ۳۰۰-۳۲۹)، جلد ۸ صفحه ۲۴۷) (اگر مردم می دانستند که شناخت خدا چقدر با ارزش است به شکوفه های رنگین دنیا چشم نمی دوختند و دنیا نزد آنان بی ارزشتر از خاک بود)

۲-۲- موضوع کتاب

موضوع این کتاب عقاید اسلامی است که پیرامون عقاید اسلامی و شناخت خداوند با توجه به براهین عقلی صحبت میکند. در این کتاب به این اشاره شده که خداشناسی در زندگی ما چه تاثیری دارد و برای شناخت خداوند راه هایی ارائه شده و همچنین با مثال هایی که زده شده تبیین شده که خداوند وجودش چگونه در جهان هستی نهادینه شده .بعد از آن در خود موجوداتی که در طبیعت وجود دارند ویژگی هایی از آن موجودات بیان شد که هر انسانی از اختراع آن ناتوان هست و تفکر در اینها این نکته را بیان می دارد که آیا این خلایق می تواند بدون دلیل و بیهوده خلق شده باشند یا خیر.

مباحث دیگری هم در مابعد در ضمن بحث پیامبر شناسی و امامت و معاد که از اصول دین هست بیان میشود که در خلاصه کتاب به آن میپردازیم .

۳-۲- ایده نویسنده

نویسنده در پی این مطلب هست که بتواند با توجه به فطرت انسان ها و براهین عقلی برای مخاطبین ثابت کند که اولاً خداوند وجود دارد و ثانیاً بعد از اثبات وجود خداوند و پذیرش آن به عقاید دین اسلام بپردازد .

۴-۲- ارتباط با موضوعات فرعی

باید گفت که مصنف غیر از موضوع اصلی که همان عقاید هست به بحث های حاشیه ای بدان صورت نمیردازد، منتهی گاهی اوقات با بیان داستان و مطالب علمی فضای یادگیری را برای نوجوانان بهتر می سازد و مسئله را بهتر مشخص می سازد.

۵-۲- گروه مخاطبان کتاب

همانطوری که بیان شد این کتاب هم نوشته عمومی است و موضوع له کتاب هم برای نوجوانانی هست که سوالاتی برای آنان پیش می آید. ولی این کتاب هم اکنون برای طلاب تدریس می شود.

۶-۲- ابداعی یا تکراری بودن فهرست

کتاب های نمونه زیادی در این موضوع عقاید هست مانند عقاید آقای مصباح، عقاید آقای شیروانی، اصول عقائد شهید مطهری، اصول عقائد آقای قرائتی و اصول اعتقادات قائمی و... منتهی باید گفته شود ایشان با تبحری که در زمینه عقائد داشته اند فهرستی جدید و متنوعی ارائه داده اند که مورد توجه و نظر است..

۷-۲- الگوی شکل گیری مطالب

اساس شکل گیری این کتاب این است که در ده درس اول اختصاص به توحید دارد چرا که مقدمه اصول دین و فروع دین توحید است و همچنین در قرآن مجید می فرماید که: { أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ } (سوره ابراهیم آیه ۲۴) که جناب مرحوم طبرسی در کتاب مجمع البیان خود کلمه طیبه را بنا بر قولی کلمه توحید می داند (طبرسی، ج ۶ ص ۴۸۰). و همچنین شهید مطهری در کتاب خدا در زندگی انسان راجع به آیه می گوید: «به تعبیر قرآن کلمه دو گونه: کلمه و فکر و اندیشه ایی که مانند درختی است زنده، درختی ریشه دار، درختی که ریشه هایش در اعماق زمین نفوذ کرده است، با هیچ بادی نمی لرزد و تکان نمی خورد، درختی که در حین اینکه نهایت استحکام را دارد درختی است میوه ده، درختی که در حین اینکه میوه ده است میوه اش فصلی نیست، میوه همیشگی است در هر فصل، در هر ماه، در هر هفته، در هر روز، در هر شب، در هر ساعت که تو بخواهی می توانی از او میوه بچینی و میوه هایش تمام نمی شود» (خدا در زندگی انسان ص ۷۵)

و این مطلب را در صفحه دیگر کتاب تکمیل می کنند: (حالا قرآن اینجا چه می خواهد بگوید؟ آن کلمه طیبه که قرآن می گوید توحید و خداست) (خدا در زندگی انسان ص ۵۸)

از این کلمه استاد مطهری می شود فهمید که اصل و اساس دین توحید است و با درست کردن آن می توان بقیه عقائد را درست کرد فلذا در این کتاب آیت الله العظمی مکارم شیرازی توحید و خداشناسی را بیان می کنند.

در ده درس دوم کتاب ایشان به بیان عدل می پردازد. حالا ممکن است که برای کسی سوال پیش بیاید که چرا از بین این همه صفات خداوند صفت عدل اصول دین قرار گرفت که آیت الله مصباح یزدی در کتاب عقائد خود به این مطلب اشاره می کنند: ((عدل اگر چه از صفات خداوند است و در اصطلاح علم عقاید لفظ توحید شامل عدل و دیگر صفات خداوند می شود ولی از آنجا که مسئله عدل از مسائل مهمی است که سبب جدایی اشاعره و عدلیه (شیعه امامیه و معتزله که قایل به عدل الهی هستند) شده است، و آثار زیادی بر آن بار می شود، عدل را به طور جداگانه، بحث کرده و جزء اصول عقاید آورده اند. مذاهب اصلی کلامی جهان اسلام به سه دسته ی اشاعره، معتزله و شیعه تقسیم می شوند. معتزله و شیعه را چون قایل به عدل الهی هستند «عدلیه» می خوانند.)) (آموزش عقاید آیت الله مصباح ص ۱۶۱) ما در مباحث دیگر به شدت به مبحث عدل خداوند احتیاج داریم و همانطور که آیت الله مصباح بیان کردند ما آثار زیادی بر عدل بار میکنیم

در ده درس سوم کتاب بعد از اینکه مردم به خدا ایمان آوردند و عدل الهی را قبول کردند ایشان بیان میکنند که هدف خلقت انسان هدایت بوده و این عدل الهی اقتضاء دارد که خداوند افرادی را برای هدایت بشر بفرستد و این افراد باید پاکیزه از هر گونه خطا و معصیتی باشند و این افراد پیامبران هستند که در آیه قرآن به آن اشاره شده: { وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّغُوتَ... } (سوره نحل آیه ۳۶) بعد از اینکه ایشان به بیان اثبات بودن پیامبران پرداخت راه های اثبات را می گوید. ایشان در این کتاب بسیار ظرافت خاصی در جابجایی ذهن مخاطب از مطلب قبل به مطالب بعد دارد و اینجا هم دست به همین ظرافت برده اند که راه اثبات پیامبران را می گوید و اثبات می کنند که چگونه حضرت محمد (صلی الله علیه) در ادیان مختلف آمده اند و معجزه قرآن که باید متناسب با پیامبر آخر الزمان باشد چه جور معجزه عظیمی است که حتی تا همین الان هم که این کتاب هست به عنوان معجزه بیان می شود

در ده درس چهارم می گوید که آخرین از این پیامبران بالاترین آنها است و بعد از ایشان دیگر دینی نمی آید و حال اینکه جامعه باز هم نیاز به هدایت دارد و عدالت خداوند باز هم اقتضاء دارد که افرادی برای هدایت بشر باشند. آخرین پیامبر یعنی حضرت محمد (صلی الله علیه) بعد از خود جانشینی را انتخاب کردند که در دو جهان به ایشان افتخار میکنند و این جانشین حضرت امیرالمومنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) است که خداوند

متعال در قرآن به پیامبر اسلام می فرماید که اگر این را ابلاغ نمی کردی وظیفه ات که هدایت مردم است را انجام نداده بودی { يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ } (سوره مائده آیه ۶۷) و بعد از ایشان دوازده معصوم دیگر رسالت هدایت را بر عهده گرفتند که باز هم برای این چند حدیث ذکر می کنند که حتی احادیثی از پیامبر دیده می شود. و اما آخرین آنها حضرت مهدی (عجل الله) هستند که ایشان به دلایلی از دیگران غایب هستند ولی وظیفه هدایت بشریت با ایشان است. بعد در این کتاب سعی در اثبات بودن حضرت مهدی (عجل الله) شده و می گوید که تمامی ادیان در دین خود اشاره به منجی می کنند اما هر دینی منجی را شخصی می داند و در دین اسلام هم در مذهب اهل سنت هم اشاره شده ولی می گویند ایشان هنوز به دنیا نیامده اند و در مذهب تشیع ما می گوئیم ایشان هستند و از دیدگان غایب

در ده درس پنجم که ده درس آخر است ایشان راجع به معاد حرف می زنند که باز هم با عدالت خداوند می شود اثبات کرد و همین یکی از دلایل است که از صفات خداوند عدل را ذکر کرد. و باز هم میگوئیم اگر قرار بود هر کس در این دنیا هر کار خواست بکند و یا اصلاً تویخ نشود یا مثل قاتلی که چندین نفر را کشته و فقط یک بار اعدام شود عدالت خداوند زیر سوال میرود زیرا آنکه یک نفر را هم کشته یک بار اعدام میشود فلذا اثبات می شود که ما روز قیامت و معادی داریم که از اصول اولیه دین ماست. و ما مصادیقی در همین جهان داریم که اثبات می کنند که ما باید معاد داشته باشیم مثل عذاب وجدان که انسان هایی که ذاتشان هنوز به گناه آلوده نشده وقتی کار زشتی انجام می دهند از درون مواخذه می شوند اما بعدها به وسیله ها مختلف روی این عذاب وجدان را می پوشانند.

۸-۲- پیشنهاد فهرست بهتر

و اینکه آیت العظمی مکارم شیرازی یکی از اشخاصی است که در زمینه تالیف تدوین کتاب برای قشر جوان و نوجوان بسیار تلاش ها کرده و با علمیت بسیار دست به قلم برده فلذا فهرستی که ایشان برای این کتاب انتخاب کرده بسیار فهرست خوبی است ولیکن فهرست کتاب آیت الله مصباح هم یکی از فهرست های خوب به شمار میرود و با تلفیق این دو فهرست می توان فهرست بهتری ارائه کرد.

۹-۲- استدلالات نویسنده

در این کتاب همانطور که قبلا هم بیان شد اصل و اساس بنیه کتاب بر اساس براهین عقلی و فکری چیده شده است که انسان را به تفکر وادار میکند ، منتهی اصلا از این نکته نباید دریغ کرد که ارجاعات نقلی از روایات و قران بسیار بسیار در این کتاب آورده شده و سر تا سر این کتاب آمیخته شده است با قرآن و روایت که مایه اثبات مطالب هست ، پس باید گفت که هم وجوه عقلی و هم نقلی در این کتاب آورده شده و این نکته هم از یاد نرود که در جایی که درباره امامت بحث میشود روایاتی که مورد اتفاق هر دو فرقه شیعه و سنی است آورده می شود و دلیل های عقلی نیز بیان میشود و قضاوت به خواننده سپرده میشود که نظر و قول صحیح دقیقا کدام است ، کدام حرف حق و درست است . برای اینکه بهتر و واضح تر این مهم بیان شود بعضی از نقل ها را در پایین لازم میدانم بیاورم : قرآن مجید می گوید : {الذین آمنوا و لم یلبسوا ایمانهم بظلم اولئک لهم الامن} «آنها که ایمان آوردند و ایمان خود را با ستم نیالودند، آرامش و امنیت برای آنهاست» (سوره انعام آیه ۸۲) و همچنین در جای دیگر می گوید: {هل تجزون الا ما کنتم تعملون} «آیا جزای شما چیزی جز اعمال شما هست؟!» (سوره نمل، آیه ۹۰)

۱۰-۲- تاکید بر مطالب کم اهمیت

در این کتاب به خاطر مطالب اصلی و سطح پایینش نسبت به کتاب های عقایدی دیگر بر همان اساس مطالب تاکید شده است.

۱۱-۲- پیشنهاد پژوهش بیشتر

برای این امر هم پیشنهاد می شود که علاوه بر این کتاب کتاب عقاید آیت الله مصباح بعد از این کتاب مطالعه شود.

قسمت سوم: مناسبات نویسنده و کتاب

۱-۳- شرایط نویسنده

در خصوص اینکه آیا شرایط خاص اجتماعی، فرهنگی، یا فردی برای نویسنده وجود داشته باید بگوییم که بله از لحاظ اجتماعی با توجه به عصر ما و شبهات جدیدی که در دنیا مطرح میشه و سوالات متعدد جوانان در رابطه با عقاید اسلامی و دیگر ادیان، این امر موجب شده که این کتاب به تالیف در بیاید و خب یکی از دغدغه های آیت الله مکارم شیرازی این بوده است که بتواند با توجه به این کتاب اصول و فروع دین را توضیح داده و بعد از آن شبهاتی را هم مطرح کند و بتواند توضیح مختصر و مفیدی در رابطه با عقاید بدهد.

۲-۳- تطبیق نظرات نویسنده قبل و بعد از نگارش کتاب

این کتاب حدوداً در دوران میانسالی آیت الله مکارم رضوان الله علیه نوشته شده است و با توجه به اینکه آیت الله مکارم همانطور که در مقدمه گفتیم سال های سال به تدریس و تحصیل علوم حوزوی پرداخته است؛ بعد از اینکه علوم خود را تقویت کرده و به مقدار کافی اطلاعات لازم را در زمینه های عقاید، فقه اخلاق، قرآن و غیره به دست آورده پس از آن دست به تالیف این کتاب زده و از همان سندها و روایات و احادیثی هم که در این کتاب آمده و طرز تالیف این کتاب و تسلط کامل این کتاب به مطالب مختلف مشخص می شود که آیت الله مکارم به خوبی و بعد از تحصیل مناسب و کافی دست به تالیف و نوشتن این کتاب برده است.

۳-۳- منابع علمی نویسنده

به صورت گسترده در این کتاب به ذکر منابع و مآخذ این کتاب اشاره نشده است ولی اجمالاً می شود گفت که منابع این کتاب به این صورت است که بخشی از منابع این کتاب از آیات قرآن آورده شده است و در ضمن هر آیه از قرآن، سوره آن و مشخصات آن آیه نوشته شده.

ضمن اینکه آیت الله مکارم شیرازی یک کتاب در رابطه با معاد اینجا پیشنهاد داده اند و خب آدرس های مختلفی از احادیث آورده شده برای مثال صفحه سیصد و بیست و سه از بحارالانوار جلد سیزده روایتی در رابطه با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آورده شده، صفحه سیصد و دو از صحیح بخاری که کتاب اهل سنت هست.

باید اشاره کرد که از ویژگی های این کتاب این هست که کتب اهل سنت و کتب شیعی در کنار هم گذاشته شده اند و پس از آن قضاوت در رابطه با تشخیص حق و باطل صورت گرفته.

صحیح مسلم ، مسند احمد و همچنین جامع ترمذی از دیگر این کتاب ها هست که در منابع این کتاب ذکر شده است.

جناب آقای آیت الله مکارم شیرازی در این کتاب علاوه بر اینکه نظرات علمای اسلام را بیان کرده اند و به نظر علمای اسلام احترام گذاشته اند ولی در خیلی از جاها علاوه بر اینکه نظرات افراد دیگر را ذکر کرده اند خودشان نتیجه گیری خوبی نسبت به مطالب انجام داده اند.

برای مثال : سوال به این پاسخ که آیا معاد جسمانی است یا روحانی؟

اولا نظر فلاسفه بیان شده است که آنها قائل به این هستند که معاد تنها روحانی است و جسم ما تنها مرکبی است که در این دنیا ما را همراهی خواهد کرد و در آن دنیا تنها چیزی که مورد مواخذه قرار می گیرد و محاسبه می شود روح ماست و جسم دَخلی در آن ندارد.

بعد از اینکه جناب آیت الله مکارم شیرازی نظر فلاسفه را در این مورد بیان می کنند ، می فرمایند که علمای اسلام هم در رابطه با این مورد نظری داده اند و نظر آنها این است که معاد ، هم جسمانی است و هم روحانی و بعد از اینکه این دو نظر را بیان می کنند از لحاظ آیه قرآن که در آن از محشور شدن هم روح و هم جسم ، سخن به میان آورده شده ، این مسئله را تبیین می کنند که : همانجور که روح ما در این دنیا تصمیم گیری های مختلفی دارد و روح ماست که در اصل باعث جان دادن به این جسم و حرکت های مختلف آن می شود ، علاوه بر این که باید روح مواخذه بشود جسم هم با توجه به آیات قرآن ، مرتکب کارهای مختلف و اعمال شایسته یا ناشایست شده است که برای مثال در آیاتی از قرآن آمده است که : یکی از معجزات خداوند تعالی این است که در روز قیامت دوباره همین اجزای بدن انسان دور هم جمع آوری می شوند و بعد از این که دور هم جمع آوری می شوند محاسبه و مواخذه از آن صورت می گیرد

بدین شرح : خداوند بر جمع آوری استخوان های مردگان، حتی استخوان های ظریف و کوچک سر انگشتان آنها در قیامت تاکید می کند: ایحسب الانسن الن نجمع عظامه بلی قدرین علی ان نسوی بنانه» «آیا انسان می پندارد که هرگز استخوان های او را جمع نخواهیم کرد آری قادریم که حتی خطوط سر انگشتان او را موزون و مرتب کنیم «وقالوا اذا كنا عظاما ورفتا اءنا لمبعوثون خلقا جدیدا ... فسیقولون من یعیدنا... قل الذی فطرکم اول مره...» «و گفتند آیا وقتی استخوان و خاک شدیم (باز) به آفرینشی جدید برانگیخته می شویم... پس خواهند گفت چه کسی ما را باز می گرداند... بگو همان کس که نخستین بار شما را پدید آورد...».

۳-۴- محدودیت های نویسنده

با مطالعه ی این کتاب بنده نتوانستم مطلبی دال بر اینکه ایشان با محدودیتی روبرو بوده باشند را پیدا کنم و ایشان با آزادی بیان کامل و بدون هیچ محدودیتی این کتاب را تالیف کرده اند.

۳-۵- پیشفرض های نویسنده

نویسنده در این کتاب به خاطر اهمیت بالای عقاید در زندگی انسان پیش فرض آشکار خود را بحث عقاید معرفی می فرمایند، بگونه ای که اگر عقاید و توجه به این مقوله در زندگی بشریت درست شود و انسان با تقویت آن می تواند در تمام ابعاد زندگی اش، تأثیرات قابل توجهی ایفا نماید.

۳-۶- ارتباط کتاب با تخصص نویسنده

ایشان همانگونه که بیان شد در مقدمه درس های سطح بالای حوزه را به خوبی یک به یک گذرانده اند و در زمینه عقاید هم مطالعات بسیاری داشته اند که عصاره آن مطالب در این کتاب آورده شده است.

قسمت چهارم: خلاصه کتاب

۱-۴-درس اول راجع به خداشناسی است

یکی از سوالاتی که در آن مطرح می شود این است که ما چرا برای خداشناسی نیاز به فکر و تفکر و اندیشه داریم که یکی از جواب های آن بدین صورت است: ۱ - عشق به آگاهی و آشنایی به جهان هستی، در درون جان همه ما است. همه ما به راستی می خواهیم بدانیم: این آسمان بلندپایه، با اختران زیبایش این زمین گسترده با مناظر دل فریبش این موجودات رنگارنگ، پرندگان زیبا، ماهیان گوناگون، دریاها و کوه ها، شکوفه ها و گل ها، انواع درختان سر به آسمان کشیده و... خود به خود به وجود آمده اند، یا این نقش های عجیب به دست نقاشی ماهر و توانا و چیره دست، کشیده شده است؟

۴-۲-درس دوم آثار خداشناسی

در رابطه با این است که وقتی ما خداشناس می شویم و خدا را در زندگی مان می آوریم چه آثاری در زندگی ما دارد. آثار مختلفی در کتاب آیت الله مکارم ذکر شده است که یکی از آن آثار بدین شرح است: - خداشناسی و احساس مسئولیت طبیبانی را می شناسیم که وقتی بیمار تنگدستی به آنها مراجعه می کند نه تنها از گرفتن حق ویزیت خودداری می نمایند بلکه پول دارو را نیز در اختیار او می گذارند و حتی اگر احساس خطر برای بیمار خود کنند شب را تا به صبح بربالین او در خانه محقرش می مانند. اینها افرادی خداپرست و با ایمانند. اما طبیبانی را نیز می شناسیم که بدون دریافت پول کوچک ترین گام برای بیمار بر نمی دارند، زیرا ایمان محکمی ندارند. انسان با ایمان در هر رشته ای که باشد احساس مسئولیت می کند، وظیفه شناس است، نیکوکار و با گذشت است، همواره یک پلیس معنوی را در درون جان خود حاضر می بیند که مراقب اعمال او است. ولی افراد بی ایمان مردمی خودخواه و خودکامه و خطرناکند و هیچ گونه مسئولیتی برای خود قائل نیستند، ظلم و ستم و تجاوز به حق دیگران برای آنها ساده است و کمتر حاضر به نیکوکاری می باشند.

درس اول از ده درس دوم و یا همان فصل دوم در رابطه با این است که عدل چیست و بدین شرح است: -عدالت چیست؟ عدالت دارای دو معنی متفاوت است: ۱ - معنی وسیع این کلمه همان طور که گفتیم «قرار گرفتن هر چیز در جای خویش» است و به تعبیر دیگر موزون بودن و متعادل بودن. این معنی از عدالت در تمام عالم آفرینش، در منظومه ها، در درون اتم، در ساختمان وجود انسان، و همه گیاهان و جانداران حکمفرماست. این همان است که در حدیث معروف پیامبر صلی الله علیه و آله آمده که فرموده: بالعدل قامت السموات و الارض؛ به وسیله عدالت آسمانها و زمین برپاست (کافی، ج ۵، ص ۲۶۶) فی المثل اگر قوای «جاذبه» و «دافعه» کره

زمین، تعادل خود را از دست دهد، و یکی از این دو بر دیگری چیره شود یا زمین به سوی خورشید جذب می شود و آتش می گیرد و نابود می گردد و یا از مدار خود خارج شده و در فضای بیکران سرگردان و نابود می شود. این معنی از عدالت همانست که شاعر در اشعار معروفش گفته است: (عدل چه بود؟ وضع اندر موضعش / ظلم چه بود؟ وضع در ناموضعش !/ عدل چه بود؟ آب ده اشجار را / ظلم چه بود؟ آب دادن خار را !). بدیهی است اگر آب را به پای بوته گل و درخت میوه بریزند در جای خود مصرف شده، و این عین عدالت است، و اگر به پای علف هرزه های بی مصرف و خار بریزند در غیر مورد مصرف شده، و این عین ظلم است.

درس اول از فصل سوم یا همان ده درس سوم در رابطه با این است که حالا که مشخص شد پیامبران چه کسانی هستند و چه وظایفی در رابطه با زندگی ما دارند ما چه نیازی به پیامبران داریم در زندگی خود؟؟.. آیا ما نمی توانیم زندگی خود را بدون پیامبران بگذرانیم؟ نیاز به رهبری در زمینه های اجتماعی و اخلاقی می دانیم در وجود ما علاوه بر «عقل و خرد» انگیزه های نیرومند دیگری به نام «غرائز و امیال» وجود دارد: غریزه خود دوستی، غریزه خشم و غضب، غریزه شهوت و غرایز و امیال فراوان دیگر. بدون شک اگر ما غرائز خود را مهار نکنیم و بر ما چیره شوند حتی عقل و خرد ما نیز زندانی می شود، و انسان همچون جباران و ستمگران تاریخ مبدل به گرگ درنده ای می شود که از گرگان بیابان به مراتب خطرناک تر است. ما برای تربیت اخلاقی نیاز به مربی داریم، نیاز به «الگو» و «اسوه» داریم که طبق اصل «محاکات» از گفتار و رفتار او سرمشق بگیریم. انسانی کامل و تربیت یافته از هر نظر لازم است که در این راه پرفراز و نشیب دست ما را بگیرد و از طغیان غرایز ما جلوگیری کند، اصول فضائل اخلاق را با عمل و سخنش در دل و جان ما بنشاند، شجاعت و شهامت و انسان دوستی، مروّت و گذشت و وفاداری، درستی و امانت و پاکدامنی را در روح ما پرورش دهد. چه کسی جز پیامبر معصوم می تواند به عنوان مربی و راهنما برگزیده شود؟! به همین دلیل ممکن نیست خداوند قادر مهربان ما را از وجود چنین رهبران و مربیانی محروم سازد.

درس هشتم از ده درس چهارم یا همان فصل چهارم در رابطه با این است که بعد از اینکه وظایف پیامبر را شناختیم و پیامبر گرامی اسلام در این کتاب معرفی شد اینک به این می پردازیم که در مذهب شیعه کدام امام خلیفه اصلی است و چه روایات و احادیثی بر این دلالت دارد. که دو حدیث در این درس بیان می شود که یکی همان حدیث ثقلین هست و دیگری حدیث سفینه نوح که با تفکر و اندیشیدن روی این دو روایت به این نتیجه می رسیم که ولایت مختص حضرت امیر المومنین علی علیه السلام است: حدیث سفینه نوح: از تعبیرات جالبی که از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در کتاب های اهل سنت و شیعه نقل شده چیزی است که در

حدیث معروف «سفینه نوح» آمده است. در این حدیث ابوذر می گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله چنین فرمود: ((الا ان مثل اهل بیتی فیکم مثل سفینه نوح، من رکبها نجی و من تخلف عنها غرق!)) خاندان و اهل بیت من همچون کشتی نوح اند که هر کس از آن استفاده کرد نجات یافت، و هر کس از آن جدا شد غرق شد. (مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۱۵۱). این حدیث که از احادیث مشهور است لزوم پیروی مردم را از علی علیه السلام و خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از رحلت آن حضرت نیز مؤکداً بیان می دارد. با توجه به این که کشتی نوح تنها پناهگاه و وسیله نجات به هنگام وقوع آن طوفان عظیم و عالم گیر بود، این حقیقت مسلم می شود که امت اسلام در طوفان هایی که بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله وزیدن گرفت، تنها راهشان تمسک جستن به ذیل ولاء اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله بوده و هست.

و در آخر هم سوالی مطرح می شود در رابطه با معاد جسمانی و معاد روحانی که معاد جسمانی و معاد روحانی در آن توضیح داده می شود و بعد از توضیح دادن آن بیان می شود که کدام معاد در روز قیامت وجود دارد؟؟ معاد جسمانی فقط یا معاد روحانی و یا هر دو؟ آیا معاد تنها جنبه «روحانی» دارد، و یا جسم و بدن انسان نیز در جهان دیگر باز می گردد، و انسان با همین روح و جسمی که در دنیا دارد، تنها در سطحی برتر و بالاتر، به زندگی جدید ادامه می دهد؟ جمعی از فلاسفه پیشین تنها به معاد روحانی معتقد بودند و جسم را مرکبی می دانستند که تنها در این دنیا با انسان است و بعد از مرگ از آن بی نیاز می شود، و آن را رها می سازد و به عالم ارواح می شتابد. ولی عقیده علمای بزرگ اسلام و بسیاری از فلاسفه این است که معاد در هر دو جنبه یعنی «روحانی» و «جسمانی» صورت می گیرد، درست است که این جسم خاک می شود، و این خاک در زمین پراکنده و گم خواهد شد، ولی خداوند قادر و عالم تمام این ذرات را در رستاخیز جمع آوری کرده، لباس حیات جدیدی بر آنها می پوشاند، و از این موضوع تعبیر به «معاد جسمانی» می کنند. به هر حال تمام آیاتی که در قرآن درباره معاد سخن می گوید هم روی «معاد جسمانی» تکیه دارد. شواهد قرآنی معاد جسمانی سابقاً خواندیم که چگونه مرد عرب بیابانی استخوان پوسیده ای را خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله می آورد و می گوید: چه کسی می تواند این را زنده کند؟ و پیامبر صلی الله علیه و آله به فرمان خدا پاسخ می گوید: همان کسی که روز نخست آن را آفرید، همان کسی که آسمان و زمین را ایجاد کرده، و از درون درخت سبز آتش بیرون میفرستد. که آیات آن در آخر سوره «یس» آمده است. قرآن در جای دیگر می گوید: ((شما در قیامت از قبرها خارج می شوید))

نتیجه:

کتاب « پنجاه درس اصول عقاید برای جوانان » مجموعه ای دقیق و مستدل و در عین حال جالب و شیرین از اعتقادات خالص اسلامی است که در آن، یک دوره عقاید اسلامی از توحید تا معاد را به صورت آموزشی برای نسل نو توضیح داده است. تا آنان بتوانند در این شرایط خاص انقلاب اسلامی، خود را بسازند و هم مقدمه ای باشد برای مطالعات بیشتر.

لذا این کتاب ارزشمند برای همگان به ویژه جوانان که به عنوان اولین گام در پی مطالعه در زمینه اعتقادات تشیع هستند به عنوان اثری مهم و تأثیر گذار شناخته می شود. این مجموعه به تالیف حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (مدظله) ، با بیانی روشن و ادله ای دقیق و همچنین مثال ها و شواهدی روشن در ضمن بحث ، اصول اعتقادات را برای مخاطب کتاب که عامه اهل مطالعه هستند تبیین می نماید. از این رو در اختیار جامعه به ویژه نسل جوان قرار گرفته و امیدوارم که استفاده ویژه و مفید از این کتاب برده شود.

فهرست منابع:

* قرآن کریم

۱. طبرسی، فضل بن حسن (۴۶۸-۵۴۸)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالمعرفه
۲. کلینی، محمد بن یعقوب، (۳۰۰-۳۲۹)، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه
۳. طهمانی، عبد الله محمد بن عبد الله ضبی (۳۷۳)، المستدرک علی الصحیحین، بیروت: دارالکتب العلمیه
۴. مطهری، مرتضی (۱۴۰۲)، خدا در زندگی انسان (چاپ اول)، تهران: صدرا
۵. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۹۶)، آموزش عقاید، تهران: موسسه انتشارات امیر کبیر